

راهکارهای مقابله با موانع کاربرد زبان‌های محلی و شکل‌گیری هویت قومی در شبکه‌های استانی صداوسیما

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۶

هادی ابراهیمی کیایی^۱، فاطمه عامریان^۲

چکیده

هویت‌های قومی و نسبت آن با هویت ملی یکی از مسائل اساسی در کشورهای چند قومیتی به شمار می‌آید. چگونگی رابطه و مناسبات میان این دو نوع هویت اجتماعی می‌تواند بر روی همبستگی و انسجام ملی در این کشورها تاثیر بگذارد. حفظ و ترویج عناصر فرهنگی اقوام مختلف کشور از مهمترین اهداف راه‌اندازی شبکه‌های استانی صداوسیما بوده است. با وجود این، کاربرد گونه‌های زبانی بومی در این شبکه‌ها همواره با موانعی روبرو بوده که افزایش دانش برنامه‌سازان و بهره‌گیری از رهنمودهای آنها بی‌تردید در رفع آنها بسیار مؤثر خواهد بود. هدف کلی این پژوهش، شناخت دیدگاه‌ها و راهکارهای پیشنهادی زبان‌شناسان در مورد کاربرد زبان محلی در برنامه‌های شبکه استانی مازندران است. این پژوهش، یک تحقیق کاربردی با رویکردی کیفی است که به روش مصاحبه عمیق و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفته است. به موجب یافته‌های پژوهش، به طور کلی تأسیس نهادی که متولی تمام امور مربوط به فرهنگ و زبان مازندرانی از جمله برنامه‌ریزی زبانی، تعیین گونه زبانی مشترک و صورت نوشتاری مربوط به آن باشد، اصلی‌ترین راه حل مشکلات موجود است. به اعتقاد صاحب‌نظران، در سطح شبکه استانی نیز افزایش آگاهی برنامه‌سازان، استفاده هوشمندانه و حرفه‌ای از ظرفیت‌های کم‌نظیر زبان محلی در برنامه‌های طنز، کاربرد سطوح متعالی تر طنز (طنز موقعیت) و اتخاذ گونه زبانی مشترک ضمن احترام به همه تنوعات گویشی موجود و انعکاس آنها در برنامه‌ها، تدابیر رسانه‌ای مؤثری برای حفظ زبان محلی، افزایش نگرش مثبت زبانی و رضایت مخاطبان از شبکه مازندران خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

هویت قومی، زبان مازندرانی، شبکه استانی، زبان معیار

H.ebrahimikiapay@iribu.ir

fa_amerian@yahoo.com

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صداوسیما

^۲ کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی

۱. مقدمه

کشور جمهوری اسلامی ایران، با داشتن گستره فرهنگی و زبانی متنوع نیازمند رسانه‌های محلی قوی و توانمندی است، تا بتواند ضمن حفظ هویت ملی و ابعاد مختلف آن نظیر هویت سیاسی، هویت فرهنگی و هویت زبانی در عرصه جنگ نرم به رقابت با تهاجم فرهنگی دشمنان بپردازد. سازمان صداوسیما، متولی اصلی رسانه‌های صوتی و تصویری، با راه‌اندازی بیش از ۳۰ مرکز رسانه‌ای محلی (شبکه استانی) سعی کرده است حضور مؤثری در عرصه رسانه‌های محلی در ایران داشته باشد تا بتواند با پرداختن به فرهنگ بومی و محلی هر استان رضایت مخاطبان را جلب کند. این حضور از این جهت مهم است که در طول عمر ایجاد رسانه‌های جمعی، رسانه‌های محلی، یکی از مؤثرترین رسانه‌ها برای برقراری ارتباط با مخاطبان یک منطقه خاص بوده‌اند و صاحبان مجموعه‌های رسانه‌ای سعی کرده‌اند در کنار رسانه‌های بزرگ و ملی خود، با استفاده از رسانه‌های محلی به مخاطبان یک منطقه جغرافیایی نزدیک شوند و اثری عمیق‌تر بر این مخاطبان بگذارند.

وجود رسانه‌های محلی از این منظر اهمیت پیدا می‌کند، که در کشورهایی که از تنوع فرهنگی و قومی برخوردارند نمی‌توان به اندازه کافی و شایسته در رسانه‌های ملی به خرده‌فرهنگ‌های محلی پرداخت. مرکزگرایی رسانه‌های بزرگ و ملی، به تدریج باعث فراموش شدن فرهنگ‌های محلی و بومی می‌شود، از طرفی برخی مسائل منطقه‌ای هستند که برای مخاطبان یک منطقه جغرافیایی یا فرهنگی اهمیت دارد اما برای مناطق دیگر از اهمیت خاصی برخوردار نیست، یعنی مسائلی که یک مجموعه رسانه‌ای ملی نه می‌تواند آنها را پوشش دهد و نه می‌تواند پوشش ندهد. این امر اهمیت توجه به رسانه‌های محلی را بیشتر نشان می‌دهد؛ پس موفقیت شبکه‌های استانی سازمان صداوسیما به‌عنوان قوی‌ترین رسانه‌های محلی، برای دغدغه‌مندان فرهنگ از اهمیت خاصی برخوردار است. اما شبکه‌های استانی، به‌عنوان یک سیستم سازمانی، برای موفقیت خود نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت هستند، تا بتوانند به اهداف خود برسند. باید توجه داشت که «این یک واقعیت معروف و پذیرفته شده است که افراد و سازمانهایی که از پیش برنامه‌ریزی کنند، بیشتر احتمال دارد آن چیزی شوند که دوست دارند بشوند» (دیوید، ۱۳۹۳: ۶۳)

زبان مازندرانی (تبری) به‌عنوان یکی از زبان‌های کهن ایرانی از جمله زبان‌های رایج در مناطق شمالی ایران به‌ویژه در محدوده‌ای است که امروزه استان مازندران نام دارد. این زبان، گونه‌ای دیرین از زبان‌های شمال و شمال باختری فلات ایران به‌شمار می‌رود (هومند،

۱۳۶۹: ۵۱). حوزه گستردگی زبان مازندرانی از شمال به دریای خزر، از شرق تا گرگان، از جنوب تا منطقه شه‌میرزاد، سنگ‌سر، فیروزکوه، دماوند، لوا سانات، کوه‌های امام‌زاده داوود و طالقان و از غرب تا تنکابن است (هومند، ۱۳۶۹: ۷-۸). پراکندگی قلمرو جغرافیایی کاربرد این زبان موجب شده تا به گویش‌ها و لهجه‌های مختلف و متعدد تقسیم شود. براساس یکی از معتبرترین تقسیم‌بندی‌ها دوازده گویش و لهجه اصلی برای زبان تبری شناسایی شده است (نصری اشرفی و صمدی، ۱۳۷۷: ۳۰). این زبان در دهه‌های اخیر تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین گسترش فعالیت رسانه‌های گروهی شاهد دگرگونی‌هایی از نظر جایگاه اجتماعی و حوزه‌های کاربردی بوده که موجب تنزل جایگاه آن تحت تأثیر زبان فارسی شده است (بشیرنژاد، ۱۳۸۶: ۳-۴ و عامریان، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۳).

حفظ و ترویج فرهنگ و آداب و رسوم مناطق و اقوام مختلف کشور از جمله اهداف راه‌اندازی شبکه‌های استانی صداوسیما اعلام شده است. زبان‌ها و گویش‌های اقوام مختلف ایرانی، بخشی از میراث فرهنگی هر منطقه به‌شمار می‌روند و شبکه‌های استانی می‌توانند در اعمال سیاست‌های مربوط به حفظ و ترویج زبان محلی در منطقه تحت پوشش خود بسیار تأثیرگذار باشند. هرچند تنوع گونه‌های مختلف زبان‌های محلی، از نظر تاریخی و فرهنگی سرمایه‌ای ارزشمند به‌شمار می‌رود اما شناخت نحوه بازنمایی این گونه‌های زبانی در نیل به اهداف راه‌اندازی شبکه‌های استانی بسیار مؤثر خواهد بود.

در همین راستا، پرداختن به ابعاد گوناگون فرهنگ مازندرانی از جمله زبان و گویش‌های محلی استان، یکی از مهمترین رسالت‌های شبکه استانی مازندران به‌شمار می‌رود. در سال ۱۳۹۴، در مجموع، حدود ۵۵ درصد از برنامه‌های رادیو و حدود ۲۰ درصد از برنامه‌های سیمای مازندران به زبان محلی تولید و پخش شده است^۱. هرچند این آمار می‌تواند نشان‌دهنده توجه رسانه استانی به ارزش و اعتبار زبان محلی مازندران باشد اما به اعتقاد صاحب‌نظران، پرداختن به زبان و فرهنگ محلی به تنهایی کافی نیست بلکه از آن مهمتر، نحوه پرداختن به آن است. به موجب نتایج پژوهشی که در سال ۱۳۹۴، در مورد دیدگاه‌های برنامه‌سازان شبکه مازندران در مورد کاربرد زبان مازندرانی در این شبکه انجام شد. بخش قابل توجهی از برنامه‌سازان (۸۶/۴ درصد) نگرش مثبتی نسبت به زبان محلی داشتند و از ضرورت حفظ این زبان و نقش شبکه استانی در این خصوص آگاه بودند. همچنین ۹۰/۹ درصد از آنان در تولید برنامه‌های خود به‌نحوی از زبان محلی استفاده کرده‌اند (عامریان، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۳). با وجود این، کاربرد

^۱. آمار و اطلاعات مذکور از معاونت‌های صدا، سیما و برنامه‌ریزی و امور مالی شبکه مازندران اخذ شده است.

زبان مازندرانی در شبکه استانی همواره با مشکلات و موانعی روبرو بوده است. متأسفانه وجود و استمرار این مشکلات، دانش ناکافی اغلب برنامه‌سازان برای حل آنها و شاید سهل‌انگاری در مشورت با اساتید زبان‌شناس، موجب بروز ناهماهنگی‌هایی در استفاده از زبان محلی در رسانه استانی شده است.

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که متخصصان علم زبان‌شناسی چه دیدگاهی در مورد کاربرد زبان مازندرانی در رسانه استانی دارند و چه راهکارهایی برای حل مشکلات زبان‌شناختی موجود در برنامه‌ها پیشنهاد می‌کنند. بکارگیری این راهکارها و پیشنهادها، می‌تواند گام مهمی در جهت ارتقاء جایگاه این زبان، کاهش نگرش منفی مخاطبان شبکه استانی در مقایسه با زبان محلی و افزایش رضایت آنها به‌شمار رود.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین اشاره علمی به برنامه‌ریزی زبانی توسط هاگن^۱ (۱۹۶۶) صورت گرفت (محبوب، ۲۰۰۹: ۳) و پس از آن پژوهشگران دیگری از جمله روبین و یرنود^۲، (۱۹۷۱) و کوپر^۳ (۱۹۸۹) به تشریح ابعاد گوناگون آن و مطالعه فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی زبان در کشورهای مختلف پرداختند. مک‌نامارا^۴ (نقل از روبین و یرنود، ۱۹۷۱: ۶۹) به بررسی فرایند برنامه‌ریزی زبان در زبان ایرلندی و نقاط قوت و ضعف آن پرداخت. سببایان^۵ در مقاله‌ای طرح تغییر زبان آموزش و نقاط ضعف آن را در فیلیپین مطالعه کرد (نقل از روبین و یرنود، ۱۹۷۱: ۱۳۶-۱۳۰). گالاکر^۶ به برنامه‌ریزی زبان و مدرن‌سازی اجتماعی در ترکیه پرداخت (نقل از روبین و یرنود، ۱۹۷۱: ۱۷۴) و الیسیاهبانا^۷ نیز فرایند برنامه‌ریزی زبان را در توسعه زبان اندونزیایی - مالزیایی مطالعه کرد (نقل از همان منبع: ۱۸۶ و ۱۷۹). پری^۸ (۱۹۸۵) برنامه‌ریزی زبان را در ترکیه و ایران مقایسه کرد. آگر^۹ (۲۰۰۱) نیز به مطالعه نگرش‌های زبانی و انگیزه‌های

1. E. Haugen

2. J. Rubin & B. Jernudd

3. R. L. Cooper

4. J. Mac Namara

5. Sibayan

6. C. F. Gallagher

7. Alisjahbana

8. J. Perry

9. Ager

برنامه‌ریزی زبان در میان اشخاص و جوامع پرداخت (نقل از افخمی و داوری اردکانی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰).

فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی زبانی در رادیو و تلویزیون‌های محلی نیز به‌عنوان بخشی از سیاست‌های کلی زبانی کشورها یا مناطق مختلف، در سراسر جهان صورت گرفته و می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به پژوهش میکوا^۱ (۲۰۱۳) اشاره کرد که چالش‌های پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای گروه‌های زبانی اقلیت را در جنوب شرقی اروپا با نگاهی خاص به دو کشور تجزیه‌شده از یوگسلاوی سابق مطالعه کرد. موریارتی^۲ (۲۰۰۹) نیز با مطالعه کاربرد زبان ایرلندی در یکی از کانال‌های تلویزیونی ایرلندی‌زبان، تأثیر کاربرد تلویزیونی این زبان را بر نگرش‌ها و کنش‌های زبانی مخاطبانی بررسی کرد که زبان اولشان ایرلندی نبود. نگوین^۳ (۲۰۰۸) نیز نقش رادیو و تلویزیون را در حفظ هویت گروه‌های اقلیت در ویتنام بررسی کرد. علاوه بر این، تعدادی از پژوهشگران داخلی موضوع «برنامه‌ریزی زبانی در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» را در آثار خود مورد توجه قرار داده‌اند. داوری اردکانی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «رسانه ملی متولی برنامه‌ریزی زبان» به تبیین جایگاه متولیان برنامه‌ریزی زبانی و نقش رسانه‌ها و به‌طور خاص، رسانه ملی ایران در این خصوص پرداخته و ضرورت به‌رسمیت‌شناختن نقش منحصر به فرد سازمان صداوسیما را در این عرصه، مورد تأکید قرار داده است. سارلی (۱۳۸۵) نیز در مقاله «مسائل نظری کاربرد گونه‌های زبانی ساختگی در رسانه ملی (با نگاهی بر مجموعه تلویزیونی شبه‌های برره)» به مطالعه کاربرد یکی از انواع گونه‌های زبانی در صداوسیما پرداخته است.

کاربرد زبان‌های محلی در شبکه‌های صداوسیما تاکنون به‌عنوان موضوع اصلی پژوهش، مطالعه نشده و اغلب پژوهشگرانی که به جایگاه و بازتاب فرهنگ‌های بومی و محلی مناطق مختلف ایران در صداوسیما و شبکه‌های استانی پرداخته‌اند، به زبان‌های محلی نیز به‌عنوان بخشی از فرهنگ این مناطق اشاره کرده‌اند. مقاله‌هایی نظیر «آسیب‌شناسی برنامه‌های شبکه استانی باران از دیدگاه مخاطبان (یک مطالعه پدیدارشناسی)» به قلم فیروز فاضلی، فرشته آلیانی و فهیمه آلیانی (۱۳۹۵)، «بررسی نقش شبکه تلویزیونی کردستان در بازتاب هویت بومی کردها» نوشته فریبا غفاری (۱۳۹۲)، «ادراک گروه‌های قومی از تصویر رسانه‌ای خود» اثر کاووس سیدامامی (۱۳۸۷) و پایان‌نامه‌هایی نظیر «بررسی علل محبوبیت برنامه «بیزیم‌کند»

1. S. B. Micova

2. M. Moriarty

3. T. T. Nguyen

بین مردم شهر تبریز» نوشته مجید رحیم‌زاده (۱۳۹۲) و «نقش شبکه استانی افلاک در تقویت فرهنگ بومی استان لرستان» اثر امیر ساکی (۱۳۸۷) از این دسته پژوهش‌ها هستند. برخی از پژوهشگران نیز در کنار مطالعه نحوه بازنمایی فرهنگ اقوام مازندرانی در صداوسیما به زبان محلی نیز اشاره کرده‌اند. «بازنمایی اقوام ایرانی در مجموعه‌های پربیننده تلویزیونی» اثر زرین زردار و محمد فتحی‌نیا (۱۳۹۲) از این دسته پژوهش‌ها است.

ظاهراً کتاب «آینده زبان مازندرانی: راهکارها» به قلم محمد صالح ذاکری (۱۳۹۱) تنها کتابی است که به موضوع راهکارهای تضمین آینده زبان مازندرانی از طریق کاربرد آن در حوزه‌های مختلف از جمله رسانه‌ها، پرداخته است. نویسنده در این کتاب با اشاره به در خطر بودن زبان مازندرانی، کاربرد آن را در انواع رسانه‌های ارتباطی از جمله رادیو و تلویزیون راهکاری مؤثر در ترویج و حفظ این زبان محلی دانسته است. پژوهش «کاربرد زبان مازندرانی در شبکه مازندران: مطالعه دیدگاه‌ها و راهکارهای برنامه‌سازان» اثر فاطمه عامریان (۱۳۹۴) نیز تنها پژوهشی است که به‌طور خاص، کاربرد این زبان را در صداوسیما و شبکه استانی مورد مطالعه قرار داده و به برخی از مشکلات موجود در این خصوص اشاره کرده است.

۳. مبانی نظری

برنامه‌ریزی زبان^۱ به‌عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی که به‌طور سنتی در جامعه‌شناسی زبان به آن پرداخته می‌شود، فعالیتی سازمان‌یافته است که با هدف حل مسائل زبانی یک جامعه، تغییرات آگاهانه‌ای در ساخت و کاربرد زبان آن جامعه ایجاد می‌کند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۰۹-۲۰۶). ماهیت برنامه‌ریزی زبانی تحت تأثیر قرارداد رفتارهای زبانی است. بنابراین، سازمان‌ها و نهادهایی که رابطه گسترده‌ای با مردم دارند و بر آنان تأثیر می‌گذارند (رسانه‌های عمومی) می‌توانند در زمره متولیان برنامه‌ریزی زبانی قرار گیرند. از سوی دیگر مراحل انتخاب، اجرا و ارزیابی برنامه‌ریزی زبانی (مستقیم یا غیرمستقیم) نیز در زمره توانایی‌ها و قابلیت‌های رسانه‌هاست (داوری اردکانی، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۲). چنان‌که گفتیم شبکه‌های استانی صداوسیما که از متولیان اصلی سیاست برنامه‌ریزی زبانی در منطقه تحت پوشش خود قلمداد می‌شوند، در مورد بکارگیری زبان محلی مناسب، با موانعی روبرو هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد برخی از مهمترین مشکلات موجود در زمینه کاربرد زبان محلی در شبکه مازندران عبارت است از نگرش منفی گویشوران مازندرانی در مقایسه با زبان محلی خود، حساسیت و نارضایتی برخی

1. Language Planning

از آنها نسبت به تمسخرگونه زبانی خود در صداوسیما و به‌ویژه برنامه‌های طنز، تنوع نسبتاً زیاد گویش‌ها و لهجه‌های زبان مازندرانی و همچنین نبود صورت نوشتاری و رسم‌الخط معیار برای نویسندگان برنامه‌ها (عامریان، ۱۳۹۴: ۷۲).

انتخاب و کاربرد زبان توسط افراد، تحت تأثیر نگرش‌های زبانی آنهاست. نگرش و دیدگاه‌های افراد دربارهٔ یک زبان ممکن است تحت تأثیر عوامل اجتماعی دستخوش تغییر شوند و به این ترتیب، ممکن است افراد نسبت به یک زبان، نگرش مثبت‌تر یا منفی‌تری پیدا کنند. به نوشته بشیرنژاد: «بسیاری از عوامل اجتماعی قبل از آن که زبان را تغییر دهند نگرش افراد را در مورد آن زبان تغییر می‌دهند. به بیان دیگر تغییر نگرش‌ها، مقدمه و لازمه تغییر زبان‌هاست» (۱۳۹۰: ۵۳). چنان که برجیان (۱۳۸۸) می‌نویسد مازندرانی‌ها در مقایسه با بسیاری از دیگر اقوام ایرانی، دلبستگی کمتری نسبت به زبان مادری خود نشان می‌دهند. بسیاری از آنان زبان مازندرانی را در حد یک زبان مستقل نمی‌دانند و برای آن هویت مستقل زبانی قائل نیستند بلکه آن را لهجه یا گویشی از زبان فارسی می‌پندارند (نقل از ذاکری ب، ۱۳۹۱: ۳۴). همان‌طور که اشاره شد این نگرش منفی در مقایسه با زبان مازندرانی یکی از مهمترین موانع کاربرد این زبان در شبکه استانی است.

از طرف دیگر، در هر زبان معمولاً لهجه‌هایی متمایز و علاوه‌بر آن، گونه‌ها و گویش‌هایی هم‌خانواده در کنار همدیگر وجود دارند که گاهی تفاوت‌های آوایی، واژگانی و دستوری آنها به‌حدی است که برقراری ارتباط زبانی را برای گویشوران، دشوار یا غیرممکن می‌سازد. در این حالت، اهالی یک جامعه، برای آن که بتوانند به نحو مطلوبی با همدیگر ارتباط زبانی داشته باشند، به گونه زبانی مشترکی نیاز پیدا می‌کنند. به نوشته اشرف^۱ (۱۹۹۴) پدیدآمدن یا انتخاب «گونه زبانی مشترک» اغلب نتیجه نیازهای اجتماعی، سیاسی، تجاری، مهاجرت‌ها، غلبه نظامی یا نفوذ دینی و مذهبی است (نقل از سارلی، ۱۳۸۷: ۳۷) و معمولاً زبان مردمی که دارای نفوذ و قدرت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بیشتری هستند به‌عنوان زبان مشترک انتخاب می‌شود. پژوهشگران و زبان‌شناسان از این گونه مشترک با تعبیر گوناگونی چون زبان مشترک، لهجه معتبر، زبان سیاسی، زبان معدّل، زبان استاندارد، گویش معیار و زبان معیار، یاد کرده‌اند. از میان این تعبیر، «زبان معیار» متداول‌تر شده که از سوی زبان‌شناسان و ادبا تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است (سارلی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۶). در زبان‌شناسی اجتماعی، روند تبدیل گونه‌ای از زبان به زبان معیار را معیارسازی زبان می‌نامند. معیارسازی روندی است که طی آن، یک

1. R. E. Asher

گونه زبانی، تحت تأثیر شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یا به شکل برنامه‌ریزی شده، به‌عنوان زبان معیار انتخاب می‌شود و از سوی اکثر افراد جامعه زبانی به‌عنوان الگوی معتبر پذیرفته می‌شود و بکار می‌رود (سارلی، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۱۶۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد تنوع گویش‌ها و لهجه‌های مازندرانی و دشواری انتخاب گونه زبانی میانه یا مشترک، یکی از اصلی‌ترین مشکلات کاربرد زبان محلی در شبکه مازندران است (عامریان، ۱۳۹۴: ۷۲).

موضوع مهم دیگری که باید در اینجا به آن اشاره شود، اهمیت صورت نوشتاری زبان‌ها و به‌ویژه زبان معیار است. چنان‌که می‌دانیم زبان‌ها ذاتاً شکل گفتاری دارند و صورت نوشتاری در واقع، ابزار ثانویه‌ای است که بشر برای ارتباط با افرادی که از نظر زمانی و مکانی از او دور بوده‌اند، اختراع کرده است. زبان نوشتاری و زبان گفتاری به لحاظ ساختاری و نیز به لحاظ کاربرد و نقش، تفاوت‌های اساسی دارند. زبان گفتاری برای گفتگو در زمانی خاص به‌کار می‌رود در حالی که نوشتار، نقشی ماندگارتر دارد و برحسب موضوعی که بدان می‌پردازد مورد استفاده اقشار مختلف مردم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف قرار می‌گیرد. معمولاً در مباحث مربوط به زبان معیار، بر زبان نوشتاری تأکید بیشتری می‌شود. به نوشته عموزاده (۱۳۸۱: ۱۵۶-۱۴۹) استفاده از زبان‌های محلی در نوشتار از دو مزیت عمده برخوردار است: نخست اینکه از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی، موجب افزایش اعتبار این زبان‌ها می‌شود؛ دوم اینکه نوعی کارکرد اجتماعی برای آنها ایجاد می‌کند و زبانی که کارکرد اجتماعی نداشته باشد محکوم به زوال است. مطالعات نشان می‌دهد یکی از مشکلات کاربرد زبان‌ها و گویش‌های محلی در شبکه‌های استانی، نبود صورت نوشتاری واحد یا مشترکی است که مورد قبول همه یا اکثر گویشوران و نویسندگان باشد (عامریان، ۱۳۹۴: ۷۲).

۴. روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو، یک پژوهش کاربردی با رویکرد کیفی است که با استفاده از مصاحبه عمیق به سه صورت حضوری، تلفنی و پست الکترونیکی انجام شده است.

با توجه به اینکه موضوع مصاحبه‌ها در این پژوهش، بر مبنای نتایج پژوهش عامریان (۱۳۹۴) تعیین شد، پرسش‌های اصلی تحقیق به‌عنوان راهنمای مصاحبه، مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به ویژگی‌های این تحقیق، از میان انواع مصاحبه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انتخاب شد. در این نوع مصاحبه موضوعات، محدودتر و خاص‌تر هستند و به‌دلیل محاوره‌ای بودن مصاحبه، مصاحبه‌گر در تغییر سؤالات یا جابجا کردن ترتیب آنها آزادی عمل بیشتری

دارد. از طرف دیگر با وجود اینکه از تمام مصاحبه‌شوندگان سؤالات یکسانی پرسیده می‌شود آنها در نحوه پاسخگویی به سؤالات آزادند. موفقیت در این نوع مصاحبه مستلزم وجود یک مصاحبه‌گر مجرب و کاملاً آگاه به موضوع پژوهش است (دلاور، ۱۳۸۸: ۱۱۳؛ بیابانگرد، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

طبق روال رایج در مطالعات کیفی، مناسب‌ترین افراد برای مصاحبه با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. این افراد شامل تمام کارشناسان و متخصصان رشته زبان‌شناسی بودند که با توجه به موضوع و اهداف پژوهش، می‌بایست به زبان‌شناسی اجتماعی و مطالعات بینارشته‌ای در زمینه زبان و رسانه علاقه‌مند باشند و دست‌کم مطالعاتی نیز در این خصوص انجام داده باشند. علاوه بر این، داشتن اصالت مازندرانی نیز به‌عنوان یکی از فاکتورهای مهم و سازنده در گزینش کارشناسان، مورد توجه قرار گرفت. همچنین به این موضوع نیز توجه شد که کارشناسانی که پیش از آغاز مصاحبه، مخاطب صداوسیما مازندران بوده باشند بهتر می‌توانند در این خصوص اظهارنظر کنند. بدین ترتیب انتخاب حجم نمونه با در نظر گرفتن همه شرایط مذکور در چندین مرحله صورت گرفت و در نهایت ۲۰ نفر از کارشناسان واجد شرایط، در فضایی دوستانه و صمیمی، مورد مصاحبه قرار گرفتند.

همان‌طور که فولر و مانجین^۱ (۱۹۹۰) نوشته‌اند مصاحبه اساساً، نوعی رابطه اجتماعی است که کمیت و کیفیت اطلاعات مورد مبادله در آن به میزان هوشمندی و خلاقیت مصاحبه‌گر در فهم و کنترل این رابطه بستگی دارد (نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۸: ۱۵۱). از این‌رو پژوهشگر با دقت و ظرافت تمام، برای جلب اعتماد و افزایش تمایل مصاحبه‌شوندگان به همکاری در پژوهش و انجام مصاحبه، نهایت تلاش خود را مبذول داشت. همچنین در اجرای مصاحبه‌ها تلاش شد با پرهیز از سوگیری‌های شخصی و تأثیرگذاری بر نگرش مصاحبه‌شوندگان در مورد سؤالات، معایب متداول در روش مصاحبه به حداقل برسد. علاوه بر این، برای حصول اطمینان بیشتر از وضوح مفاهیم مورد بررسی در سؤالات، چند مصاحبه مقدماتی نیز انجام شد. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها از چهل دقیقه تا یک ساعت و نیم متغیر بود و هر مصاحبه به‌طور متوسط حدود یک ساعت به طول انجامید. مصاحبه‌ها تا زمان حصول اطمینان از اشباع داده‌ها، ادامه پیدا کرد.

داده‌های کیفی پس از گردآوری، براساس نظریه زمینه‌ای یا داده‌محور^۱ (گلاسر و اشتراوس^۲، ۱۹۶۷) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به این منظور داده‌ها توصیف، مقایسه، مقوله‌بندی و در نهایت مفهوم‌پردازی شد. در فرایند مفهوم‌پردازی نیز درک نحوه ارتباط مؤلفه‌های منفرد داده‌ها با یکدیگر و دستیابی به یک چارچوب مفهومی و تا حد امکان جامع، مد نظر قرار گرفت تا براساس آن بتوان علل بسیاری از مشکلات موجود را تبیین و راهکارهای مناسب و عملی را برای سیاستگذاری‌های آینده مشخص کرد.

با توجه به اهمیت مفهوم ارزشمندی^۳ تحقیق در مطالعات کیفی به جای شاخص‌های پایایی و روایی (بیابانگرد، ۱۳۸۸: ۳۰۳)، با استفاده از روش‌های گوناگون جمع‌آوری داده، بازرسی مجدد مسیر کسب اطلاعات^۴ و چک کردن داده‌ها از طریق شرکت‌کنندگان در تحقیق^۵، اعتبار این پژوهش مورد ارزیابی و تأیید کارشناسان قرار گرفت.

۵. یافته‌های پژوهش

داده‌های کیفی پس از گردآوری، به‌منظور تجزیه و تحلیل به شکل نسخه‌هایی مکتوب از داده‌های متنی درآمد. پس از تعیین مقوله‌های اصلی، داده‌های متنی براساس آنها تقسیم‌بندی و در نهایت به‌منظور دستیابی به راهکارهای رسانه‌ای، مفهوم‌پردازی شد. در این مجال ابتدا مقوله‌های اصلی و سپس جداول دسته‌بندی مقوله‌ها به همراه توصیف داده‌های متنی مربوط به آنها، ارائه می‌شود.

با توجه به پرسش‌های اصلی پژوهش، مقوله‌های اصلی به‌صورت زیر تعیین شد:

جدول ۱. مقوله‌های اصلی

ردیف	مقوله‌های اصلی
۱	راهکارهای مواجهه با نگرش منفی مخاطبان نسبت به زبان محلی
۲	راهکارهای مواجهه با کاربرد تمسخرآمیز زبان محلی در برنامه‌ها
۳	راهکارهای مواجهه با تنوع گویش‌ها و لهجه‌های مازندرانی
۴	راهکارهای مواجهه با مشکل صورت نوشتاری زبان مازندرانی

۱-۵. توصیف داده‌های متنی براساس مقوله‌های اصلی پژوهش

۱-۱-۵. راهکارهای رسانه‌ای کاهش نگرش منفی مخاطبان نسبت به زبان مازندرانی

1. Grounded Theory

2. B. Glaser & A. Strauss

4. Trustworthiness

5. Audit Trail

6. Member Check

اغلب کارشناسان واجد شرایط، مشتاقانه در این پژوهش همکاری کردند که این امر نشان‌دهنده نگرش مثبت زبان‌شناسان نسبت به کاربرد زبان محلی در برنامه‌های شبکه مازندران است. البته باید اذعان کرد برخی از آنان از ضعف شبکه استانی در مشاوره با پژوهشگران زبان‌شناس و عملکرد گهگاه غیر حرفه‌ای برنامه‌سازان این رسانه در برخورد با مسائل زبان‌شناختی گلّه‌مند بودند. یافته‌های پژوهش براساس مقوله اول در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است:

جدول ۲. دسته‌بندی یافته‌های پژوهش براساس مقوله اول

مقوله اصلی	ردیف
راهکارهای مواجهه با نگرش منفی مخاطبان نسبت به زبان محلی	
طبیعی است و در همه زبان‌ها وجود دارد.	۱
برنامه‌ریزی زبانی برای تعیین گونه استاندارد یا معیار مازندرانی و برنامه‌سازی براساس آن گونه زبانی.	۲
استفاده از زبان محلی در برنامه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و آموزشی.	۳
ارائه آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم به برنامه‌سازان رسانه.	۴
استفاده از تجربه سایر شبکه‌های استانی.	۵
بخشی از نگرش منفی حاصل عملکرد ضعیف رسانه و دیگر متولیان فرهنگی است. در برنامه‌های صدواوسیمیا نقش‌های مهم و کلیدی هم باید به این زبان داده شود.	۶
تولید برنامه در همه زمینه‌های مربوط به فرهنگ مازندران که در تغییر تدریجی جایگاه زبان محلی و نگرش زبانی و آگاه‌سازی مخاطب از ارزش زبان محلی و اهمیت دوزبانگی مؤثر است.	۷
تکرار چنین برنامه‌هایی که موجب افزایش اثرگذاری می‌شود.	۸
تغییر تدریجی ذائقه و سلیقه مخاطبان با ساخت برنامه‌های باکیفیت به زبان محلی.	۹
تأسیس نهاد مازندران‌شناسی یا فرهنگستان زبان و ادب مازندرانی به‌عنوان متولی برنامه‌ریزی زبانی و حامی طرح‌های پژوهشی مرتبط با فرهنگ مازندران.	۱۰
توجه به آراستگی ظاهری و موقعیت اجتماعی موجه و خوشایند افراد محلی در برنامه‌ها	۱۱
پرداختن به زبان مازندرانی در برنامه‌های شاد و مفرح برای کودکان و به‌ویژه گروه‌های سنی پیش از دبستان.	۱۲
پرهیز از کاربرد ناشیانه و ناخوشایند زبان محلی در برنامه‌ها.	۱۳
تغییر نگرش زبانی مردم، زمان‌بر و تدریجی است.	۱۴
تغییر نگرش زبانی مردم، مستلزم همکاری هماهنگ و کار گروهی نهادهای متولی امور فرهنگی است.	۱۵
اقدام در جهت افزایش نگرش مثبت مدیران و مسئولان استانی نسبت به زبان مازندرانی	۱۶
استفاده از زبان محلی از سوی مسئولان استانی، تحصیل‌کردگان و افراد مهم، سرشناس و دارای شأن اجتماعی بالا	۱۷
استفاده از کارشناسان زبان‌شناس در برنامه‌هایی با موضوع زبان مازندرانی	۱۸
برگزاری همایش‌هایی با موضوع عناصر مختلف فرهنگ مازندران و راه‌اندازی رشته زبان‌شناسی در دانشگاه مازندران	۱۹
استفاده از زبان محلی در عالی‌ترین فرم‌های برنامه‌سازی مثل برنامه‌های طبقه الف و ب در شبکه استانی	۲۰
استفاده از زبان محلی در قالب‌های پیشرفته‌تر برنامه‌سازی مثل مستند، نمایش و ترکیبی - نمایشی در شبکه استانی	۲۱
استفاده از زبان محلی در برنامه‌های رسمی تر مثل اخبار یا میزگردهای تخصصی	۲۲
استفاده از نیروهای مجری - مؤلف در برنامه‌ها که دارای دانش کافی و مسلط به زبان محلی باشند.	۲۳

چنان‌که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود به عقیده زبان‌شناسان، نگرش منفی نسبت به زبان‌های محلی در مقایسه با زبان‌های رسمی یا دارای اعتبار بیشتر، پدیده‌ای طبیعی و

متداول در بسیاری از جوامع است اما چنان که تمام آنها تأکید داشتند؛ مسئله مهم، ناآگاهی گویشوران از ارزش‌های زبان محلی‌شان است که موجب می‌شود آن را ناقص و عامل به مخاطره‌انداختن فراگیری زبان معیار فارسی [از سوی] فرزندان خود تصور کنند. بخشی از این امر نیز به کاربرد زبان مازندرانی در رسانه استانی مربوط می‌شود که غالباً فقط به برنامه‌های غیررسمی و تنها سرگرم‌کننده محدود بوده است. به عبارت دیگر، باید برای مردم تبیین شود که «نه تنها زبان محلی از لحاظ زبانی هیچ کم و کاستی نسبت به زبان رسمی ندارد بلکه در بعضی حوزه‌ها از توانمندی‌هایی به مراتب بیشتر از زبان رسمی برخوردار است.» همچنین به گفته زبان‌شناسان، اطلاع‌رسانی در مورد اهمیت دوزبانگی و «به‌کارگیری این زبان در عالی‌ترین فرم‌ها و طبقات برنامه‌سازی^۱ نظیر طبقه‌های (الف) و (ب) و همچنین در قالب‌های پیشرفته‌تر برنامه‌سازی همچون برنامه‌های مستند، نمایش‌ها، برنامه‌های ترکیبی - نمایشی» در افزایش نگرش مثبت مخاطبان رسانه استانی نسبت به زبان مازندرانی بسیار مؤثر خواهد بود. «کاربرد زبان محلی از سوی افراد سرشناس، تحصیلکرده و منتسب به طبقات بالای اجتماعی در برنامه‌های رسانه نیز می‌تواند در ارتقای جایگاه این زبان و افزایش گرایش مخاطبان به استفاده از آن تأثیرگذار باشد.» همچنین «بکارگیری زبان محلی در برنامه‌های مهم، جدی و رسمی صداوسیما مانند اخبار یا میزگردهای تخصصی» و «تولید برنامه‌هایی با موضوع زبان مازندرانی و ابعاد مختلف آن نظیر ویژگی‌های تاریخی، ریشه‌شناختی، ساخت‌واژی، آواشناسی، معناشناختی و ...» نیز از جمله راهکارهایی بود که از سوی اکثر زبان‌شناسان، برای افزایش آگاهی‌های عمومی و کاهش نگرش منفی نسبت به زبان محلی پیشنهاد شد. به گفته کارشناسان در حوزه اطلاع‌رسانی و آموزش نباید از برنامه‌سازان و دست‌اندرکاران رسانه - هم به‌عنوان یکی از اقشار جامعه و هم به‌عنوان افرادی تأثیرگذار در شکل‌دهی به ذائقه عمومی و تغییر گرایش‌های غالب در میان مخاطبان - غافل بود. همچنین شناسایی، آموزش و بکارگیری نیروهای «مجری - کارشناس» یا «مجری - مؤلف» نیز در این زمینه بسیار کارگشا خواهد بود.

۱. طبقه برنامه، میزان، نوع و نحوه کاربرد منابعی است که برای تهیه یک برنامه اختصاص داده می‌شود. ساخت هر برنامه، به بودجه، نیروی انسانی، وسایل و تجهیزات و زمان، به اندازه‌های متفاوت و حسب موضوع، هدف و قالب نیاز دارد. در طبقه‌بندی موجود در برنامه‌های سازمان صداوسیما (الف، ب، ج، د) و تجهیزات، وسایل و نوع آنها، زمان ساخت و سایر عناصر، در نظر گرفته شده‌اند که بودجه برنامه براساس آن تنظیم می‌شود (واژه‌نامه اصطلاحات کاربردی در برنامه‌سازی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶).

در نهایت باید توجه داشت که تغییر نگرش زبانی، همچون دیگر تغییرات فرهنگی، زمان‌بر و تدریجی است و نمی‌توان انتظار داشت با اصلاح رویه کنونی و اتخاذ تدابیر پیشنهادی، ظرف مدت کوتاهی شاهد تغییرات شگرفی در نگرش مخاطبان و افزایش ناگهانی نگرش مثبت زبانی در میان آنان باشیم.

۲-۱-۵. روش‌های جلوگیری از کاربرد تمسخرآمیز زبان مازندرانی در برنامه‌های رسانه استانی به عقیده کارشناسان، نگرش منفی مخاطبان و حتی خود برنامه‌سازان موجب می‌شود که زبان محلی، اغلب در برنامه‌های غیررسمی و طنز مورد استفاده قرار گیرد و بیشتر جنبه سرگرم‌کننده یا حتی تمسخرآمیز داشته باشد. حتی به گفته بسیاری از صاحب‌نظران «استفاده از زبان محلی در برنامه‌های طنز نیز بیشتر جنبه لودگی دارد تا جنبه طنزآمیز». دسته‌بندی یافته‌های پژوهش براساس مقوله دوم در ادامه قابل مشاهده است:

جدول ۳. دسته‌بندی یافته‌های پژوهش براساس مقوله دوم

مقوله اصلی / ردیف	راهکارهای مواجهه با کاربرد تمسخرآمیز زبان محلی در برنامه‌ها
۱	استفاده از زبان محلی در برنامه‌های جدی و آموزشی
۲	تولید طنز واقعی و فاخر (با توجه ویژه به طنز موقعیت)
۳	ارتقاء سطح دانش هنری و حرفه‌ای برنامه‌سازان رسانه به‌ویژه طنزپردازان
۴	استفاده از نیروهای مجری-کارشناس حرفه‌ای، توانمند و مطلع
۵	دعوت از اساتید زبان‌شناسی در میزگردهای علمی با موضوع تاریخچه و غنای زبان محلی
۶	کاربرد زبان محلی از سوی شخصیت‌های مهم و کلیدی برنامه‌ها
۷	استفاده از زبان محلی به‌صورت فصیح و خوشایند و نه مضحک و مسخره در برنامه‌ها
۸	دعوت از کارشناسان سرشناس و تحصیلکرده بومی در برنامه‌ها و استفاده آنها از زبان محلی
۹	استفاده از داستان‌های کهن و محبوب مازندرانی در برنامه‌ها
۱۰	به‌کارگیری بازیگران محلی‌زبان در نقش‌های مهم و کلیدی برنامه‌های نمایشی
۱۱	بهره‌گیری از موضوعات جدید و به‌روز مربوط به علم و فناوری در برنامه‌های محلی و ارتقای سطح مباحث مطرح در برنامه‌ها

به‌طوری‌که در جدول شماره ۳ دیده می‌شود زبان‌شناسان برای مقابله با کاربرد تمسخرآمیز زبان مازندرانی در برنامه‌های رسانه استانی چند پیشنهاد کاربردی ارائه کردند:

۱. پرهیز از کاربرد زبان محلی در برنامه‌ها توسط شخصیت‌هایی با موقعیت اجتماعی پایین نظیر خدمتکار، سرایدار، دربان و
۲. عدم استفاده بیش از حد از طنز کلامی و زبان بدن (ساده‌ترین و دردسترس‌ترین ابزارهای طنزآفرینی) و بکارگیری نوع پیشرفته‌تر و متعالی‌تر طنز (طنز موقعیت): البته این فرایند بسیار پیچیده و نیازمند بکارگیری نویسندگان توانمند و قوی و ارائه آموزش‌های لازم به برنامه‌سازان است. همچنین باید فرصت تفکر و طراحی آیتم‌های حاوی طنز موقعیت، برای نویسندگان فراهم و از «بداهه‌نویسی» پرهیز شود.
۳. ارتقای سطح موضوعی برنامه‌ها: به گفته کارشناسان «اگر موضوع برنامه‌های طنز محلی از سطح کوچه و بازار و روستا فراتر رود و مسائل امروزی‌تر (نظیر علم و فناوری) نیز به‌نوعی در این برنامه‌ها مطرح شود خودبه‌خود اعتبار کلام حامل آن موضوع نیز افزایش خواهد یافت.»
۴. استفاده از عوامل حرفه‌ای و توانمند در برنامه‌سازی: به عقیده زبان‌شناسان «عوامل برنامه‌ساز حرفه‌ای و آگاه، می‌توانند به‌گونه‌ای از زبان محلی استفاده کنند که نه تنها به‌هیچ‌وجه تمسخرآمیز نباشد، بلکه حتی در برخی موارد بسیار تأثیرگذار و ضروری نیز به نظر برسد.» البته «پرهیز از تمسخر گویش‌ها و لهجه‌ها در برنامه‌های طنز» نیز برای حل این مشکل مؤثر خواهد بود.

۳-۱-۵. راهکارهای مواجهه رسانه استانی با مسئله تنوع گویش‌ها و لهجه‌های مازندرانی

به عقیده زبان‌شناسان زبان اساساً یک پدیده همگن و یکنواخت نیست و تنوع لهجه‌ها و گویش‌ها در همه زبان‌ها وجود دارد. استان مازندران به‌علت کشیدگی جغرافیایی منحصربه‌فرد از شرق تا غرب، منزلگاه گویش‌ها و لهجه‌های مختلفی است که همگی مازندرانی هستند. با توجه به رسالت شبکه مازندران، رسانه استانی، رسانه تمام مازندرانی‌ها به‌شمار می‌رود و طبیعی است مخاطبان این شبکه در نقاط مختلف استان انتظار انعکاس گونه زبانی خود را - دست‌کم در بخشی از برنامه‌ها - داشته باشند. این در حالی است که به موجب آمارها، در حال حاضر گونه‌های زبانی رایج در قائم‌شهر و سوادکوه (۳۱/۸ درصد) و ساری (۲۲/۷ درصد) به‌ترتیب پرکاربردترین گونه‌ها در برنامه‌سازی هستند (عامریان، ۱۳۹۴: ۶۷).

یافته‌های پژوهش براساس این مقوله در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود:

جدول ۴. دسته‌بندی یافته‌های پژوهش براساس مقوله سوم

مقوله اصلی ردیف	راهکارهای مواجهه با تنوع گویش‌ها و لهجه‌های مازندرانی
۱	برنامه‌ریزی زبانی گسترده با کار گروهی نهادهای متولی فرهنگ
۲	تعیین گونه استاندارد مازندرانی که برای همه قابل فهم باشد و بتواند نقش نوعی زبان میانجی را ایفاء کند (تعیین یک گونه استاندارد با مشورت زبان‌شناسان بومی استان یا انتخاب یکی از گونه‌های زبانی موجود و قابل فهم برای همه)
۳	تأسیس نهادی برای ساماندهی تمام فعالیت‌های پژوهشی مربوط به فرهنگ بومی مازندران و برنامه‌ریزی زبانی برای تعیین گونه زبانی معیار و خط‌سازی، دستورنویسی و فرهنگ‌نگاری برای گونه تعیین‌شده با اختصاص زمان و بودجه متناسب
۴	احترام رسانه به تنوع گویش‌ها و پرهیز از مرکزگرایی (توجه صرف به گونه زبانی ساری و حومه)
۵	اختصاص وقت برنامه‌ها به لهجه‌های مختلف و فراهم‌کردن فرصت بروز و ظهور به آنها
۶	به‌تصویر کشیدن فرهنگ و سبک زندگی مناطق مختلف استان که موجب انعکاس گونه‌های زبانی مختلف می‌شود.
۷	مشورت با زبان‌شناسان در تولید برنامه‌ها
۸	بکارگیری اهالی مناطق مختلف استان در فرایند برنامه‌سازی (مثل مجریان، بازیگران و کارشناسان و ...)
۹	توجه به پژوهش در مورد تنوع و تعدد فرهنگ، آداب و رسوم و گویش‌های محلی مناطق مختلف استان

چنان‌که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود تمام کارشناسان این پژوهش، با اشاره بر تنوع لهجه‌ها و گویش‌ها در برخی استان‌های دیگر کشور، بر ضرورت برنامه‌ریزی‌های دقیق در این مورد تأکید کردند. به عقیده آنها «ابتدا نیازمند نوعی معیارسازی برای زبان مازندرانی هستیم.» البته معیارسازی، سطوح مختلفی دارد که از فعالیت‌های عمده نهادهایی مانند فرهنگستان‌های زبان و ادبیات به شمار می‌رود. بنابراین، «تأسیس چنین نهادی برای ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف در این زمینه ضروری است.» در نهایت «باید گونه‌ای از زبان مازندرانی تعیین شود که برای همه مازندرانی‌ها قابل فهم باشد و به عبارتی خنثی‌تر و بی‌نشان‌تر باشد تا بتواند به‌عنوان نوعی گونه زبانی مشترک بین تمام مازندرانی‌ها پذیرفته

شود.» رسانه استانی نیز باید «ضمن ایجاد نوعی تعادل در انعکاس گونه‌های مختلف زبانی استانی، گونه مشترک یا معیار را ملاک کلی برنامه‌سازی قرار دهد و با پرداختن به فرهنگ و آداب و رسوم مناطق مختلف مازندران، به گونه‌های دیگر زبانی نیز فرصت بروز و ظهور بدهد.» از طرف دیگر باید توجه داشت که «براساس اصول جامعه‌شناسی زبان، تمرکز بر تنوع و گوناگونی‌های زبانی، به نوبه خود ارزشمند و حتی ضروری است زیرا در بطن خود، نوعی یکپارچگی گونه منطقه‌ای (فرامحلی) را تداعی و ترویج می‌کند.» از طرف دیگر، مسائل برون‌زبانی نظیر بُعد مسافت می‌تواند هم بر تمایل اهالی مناطق دور از مرکز استان برای شرکت در فرایندهای برنامه‌سازی در صداوسیما مستقر در مرکز استان اثر منفی بگذارد و هم رغبت و تمایل ساکنان آن مناطق را به این شبکه کاهش دهد. بنابراین، شاید «دعوت از اهالی مناطق مختلف استان برای همکاری در برنامه‌سازی و انعکاس انواع گونه‌های مازندرانی در برنامه‌ها» در این مورد راهگشا باشد.

۴-۱-۵. راه‌حل مشکل صورت نوشتاری برای زبان مازندرانی

در حال حاضر نویسنده‌گان برنامه‌های شبکه استانی از صورت‌های مختلف نوشتاری برای نگارش متون محلی استفاده می‌کنند که گاهی موجب ناهماهنگی و سردرگمی سایر عوامل برنامه‌ساز مانند مجریان، گویندگان و گزار شگران می‌شود. این مشکل نیز به‌عنوان یکی از مقوله‌های اصلی پژوهش، بررسی و یافته‌های مربوطه به‌صورت جدول شماره ۵، دسته‌بندی شد:

جدول ۵. دسته‌بندی یافته‌های پژوهش براساس مقوله چهارم

مقوله اصلی	ردیف
راهکارهای مواجهه با مشکل صورت نوشتاری زبان مازندرانی	
استفاده از خط فارسی و کاربرد آن برای گونه استاندارد مازندرانی	۱
برنامه‌ریزی زبانی و تدوین دستورالعمل تجویزی برای بکارگیری خط مشترک (برای گونه استاندارد) با عنوان «دستور خط مازندرانی» با مشورت گروهی از زبان‌شناسان	۲
آوانگاری که بهترین و دقیق‌ترین راه به‌نظر می‌رسد ولی بسیار وقت‌گیر، پرهزینه و مستلزم آموزش همگانی است.	۳
هماهنگی و تعامل شفاهی عوامل مختلف برنامه‌ساز با نویسندگان، قبل از آغاز برنامه برای پیشگیری از بروز مشکلات احتمالی	۴
ابداع رسم‌الخط خاصی با نشانه‌های ویژه برای زبان مازندرانی با استفاده از خط فارسی باستان یا اوستا که مستلزم صرف هزینه، وقت، امکانات زیاد و آموزش همگانی است.	۵

چنان‌که در جدول مشاهده می‌شود تمام کارشناسان این پژوهش، با تأکید بر ضرورت نوعی برنامه‌ریزی زبانی به‌منظور تعیین صورت نوشتاری برای زبان مازندرانی، این مسئله را نیز وابسته به مسائل پیشین و از مجموعه اقدامات نهاد متولی برنامه‌ریزی زبان در مازندران برشمردند. درواقع «این نهاد باید پس از تعیین گونه معیار مازندرانی، یک الگوی نوشتاری مورد پذیرش همه را باعنوانی نظیر «دستور خط مازندرانی» تدوین و منتشر کند تا در تمام سطوح جامعه و به‌ویژه انواع رسانه‌ها از جمله صدا و سیما، رسانه‌های مکتوب و رسانه‌های مجازی بکار رود و رواج پیدا کند.»

برای تعیین گونه مناسب نوشتاری نیز پیشنهادهای متنوعی ارائه شد؛ اغلب زبان‌شناسان «استفاده از همین رسم‌الخط کنونی فارسی» را پیشنهاد کردند که خود از خط عربی و آرامی منشأ گرفته است. به گفته آنان: «در مواردی که اختلاف نظر وجود دارد نیز می‌توان در نشست‌های تخصصی زبان‌شناختی، تصمیم‌گیری کرد.» «آشنایی چشم افراد با خط فارسی» مزیت اصلی این راه‌حل است.

از جمله پیشنهادهای دیگر «کنارگذاشتن خط فارسی و استفاده از خط لاتین و الفبای بین‌المللی آوانگاری (IPA)» بود. مزیت این شیوه نوشتاری «دقیق‌تر و عملی‌تر بودن آن» است. همچنین با این روش می‌توان مشکل آوایی نظیر واکه یا مصوت ختای شوا [ə] را حل کرد که در زبان مازندرانی وجود دارد و با نشانه‌های خط فارسی نمی‌توان آن را نشان داد. از جمله معایب این پیشنهاد نیز «استفاده از خط لاتین به‌عنوان پایه الفبای بین‌المللی» است که از لحاظ فرهنگی «موجب واردشدن ایرادهایی» به این روش می‌شود. همچنین «استفاده از این صورت نوشتاری می‌تواند برای افراد زیادی که ممکن است با خط انگلیسی یا لاتین و نشانه‌های آن آشنایی چندانی نداشته باشند دشوار و دردسرساز باشد.» از دیگر معایب مهم این پیشنهاد نیز «لزوم آموزش همگانی الفبای بین‌المللی آوانگاری» است. با توجه به محدودیت‌های مذکور، این پیشنهاد به‌رغم «دقت بالا»، چندان عملی به‌نظر نمی‌رسد.

پیشنهاد دیگر «ابداع یک رسم‌الخط خاص با علائم خاص» است. طرفداران این پیشنهاد معتقد بودند «خط اساساً یک پدیده ابداعی است» و «تعیین مجموعه‌ای از نشانه‌های نوشتاری خاص برای زبان مازندرانی و تصویب و ترویج این نشانه‌ها، میسر است.» «به‌عنوان پایه خط ابداعی نیز می‌توان از خط فارسی باستان یا اوستایی» استفاده کرد که به ادعای آنها یکی از «کامل‌ترین رسم‌الخطها به‌شمار می‌رود». این راهکار درواقع «احیای خط منسوخ‌شده اوستایی» و همانند اتفاقی است که در برخی کشورها روی داده است. این راه‌حل نیز مشکلاتی

دارد که «پرهزینه بودن و نیاز به امکانات و تجهیزات خاص نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، نظیر طراحی یک صفحه کلید خاص با علائم ویژه خط ابداعی» از جمله آنهاست. همچنین این شیوه، نیازمند آموزش همگانی است که اگرچه «غیرممکن نیست ولی بسیار پرهزینه و زمان‌بر خواهد بود.» در مجموع اغلب زبان‌شناسان بر روی راه‌حل اول و تعیین نوعی «دستور خط مازندرانی» بر پایه رسم‌الخط فارسی، به‌عنوان بهترین گزینه اتفاق نظر داشتند.

علاوه بر این چهار موضوع، زبان‌شناسان، به موضوعات دیگری نظیر ضعف اطلاع‌رسانی و کمبود قابل توجه برنامه‌های آگاهی‌بخش و تخصصی زبان‌شناختی در میان تولیدات شبکه استانی، به‌عنوان بخشی از مشکلات موجود اشاره کردند. همچنین اکثر آنان به ضرورت توجه به کارکردهای مثبت فضای مجازی در مورد تمام موضوعات موردنظر این پژوهش تأکید داشتند و معتقد بودند «چون امروزه بازتولید بسیاری از مباحث مرتبط با فرهنگ، در بستر فضای مجازی به‌خوبی امکان‌پذیر است باید از این فرصت نسبتاً جدید نیز در جهت حفظ و ترویج فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی بهره گرفت.»

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش تا حد زیادی مؤید نتایج پژوهش‌هایی است که پیش از این به موضوع کاربرد زبان‌های محلی در رادیو و تلویزیون‌های محلی و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

چنان‌که پژوهش میکوا (۲۰۱۳) نشان داد کاربرد زبان‌های محلی در رادیو و تلویزیون، یکی از اقدامات مهم و مؤثر برای حفظ هویت فرهنگی اقلیت‌های زبانی است و ضروری است که برای آن برنامه‌ریزی دقیق صورت گیرد. یافته‌های پژوهش موریارتی (۲۰۰۹) نیز نشان داد کاربرد برنامه‌ریزی شده زبان‌های اقلیت در تلویزیون، علاوه بر اثرگذاری بر نگرش‌های زبانی مخاطبان، نقش مهمی در احیای زبان‌های کم‌کاربرد و رو به زوال دارد. این ادعا با یافته‌های پژوهش حاضر (جدول شماره ۲) منطبق است. به موجب یافته‌های پژوهش نگوپین (۲۰۰۸) نیز استفاده از نیروهای بومی، حمایت از پروژه‌های پژوهشی مربوط و افزایش تعامل رسانه‌های محلی کشورهای مختلف برای کسب تجربه و مشورت با متخصصان، از جمله راهکارهای مؤثر در ارتقای نقش رسانه‌های محلی در حفظ هویت فرهنگی اقلیت‌هاست. چنان‌که اشاره شد نتایج این پژوهش نیز (جدول‌های شماره ۲ و ۳) این یافته‌ها را تأیید می‌کند.

چنان‌که اشاره شد مطالعات معدودی در حوزه کاربرد زبان‌های محلی در شبکه‌های استانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته که یافته‌های این پژوهش با نتایج آنها نیز مطابقت دارد. براساس پژوهش فاضلی و همکاران (۱۳۹۵) زبان‌های محلی، در بسیاری از موارد در شبکه‌های استانی به‌صورت زبان‌های فرودست بکار می‌روند و در کاربرد آنها نیز حالت لودگی، به‌ویژه در برنامه‌های طنز، مشاهده می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد فرودست کردن زبان‌های محلی و حذف برخی از گونه‌های زبانی در برنامه‌های صداوسیما، نه تنها موجب کاهش محسوس میزان مخاطبان خواهد شد بلکه به هویت اقوام و پیشینه تاریخی کشور آسیب جدی وارد خواهد کرد (همسو با مندرجات جدول شماره ۲). همچنین توجه جدی‌تر به تنوع زبان‌ها و گویش‌های محلی در شبکه‌های استانی و استفاده از مجریان آگاه و به اصطلاح، مجری-کارشناس نیز از جمله راهکارهای مقابله با آسیب‌های زبانی در شبکه باران، عنوان شده است. سیدامامی (۱۳۸۷) با تأکید بر ضرورت احترام به تنوع خرده‌فرهنگ‌ها و گویش‌های محلی و پرهیز از هرگونه کاربرد توهین‌آمیز گونه‌های زبانی، استفاده از کارکنان بومی را در شبکه‌های استانی گام مهمی در ارائه تصویر بهتر از خرده‌فرهنگ‌ها دانسته است. راهکاری که به موجب یافته‌های پژوهش حاضر نیز در افزایش نگرش مثبت مخاطبان شبکه استانی بسیار مؤثر است (جدول‌های شماره ۳ و ۴). همچنین یافته‌های پژوهش پیش‌رو همسو با نتایج پژوهش ذاکری (۱۳۹۱) مؤید ضرورت دقت در نحوه بکارگیری زبان محلی در صداوسیما به منظور پرهیز از دامن‌زدن به نگرش منفی مخاطبان نسبت به زبان محلی و کاربرد تمسخرآمیز این زبان در برنامه‌ها است. به نوشته ذاکری، اگر در برنامه‌های شبکه استانی مازندران، تمام اقشار جامعه از جمله افراد تحصیلکرده و محبوب و مقام‌های رسمی استانی و کشوری مسلط به زبان محلی، از این زبان استفاده کنند بخش عمده‌ای از نگرش منفی مخاطبان نسبت به این زبان کاهش خواهد یافت.

چنان‌که اشاره شد پژوهش پیش‌رو، به مطالعه کاربرد زبان محلی در شبکه مازندران و استخراج راهکارهای ساتید زبان شناس در این خصوص پرداخته است. از این‌رو، علاوه بر محک‌زدن میزان انطباق با نتایج پژوهش‌های پیشین، دستیابی به راه‌حل‌های زبان‌شناختی و رسانه‌ای، به‌طور خاص مورد توجه پژوهشگر قرار داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد از دیدگاه کارشناسان، رسانه استانی می‌تواند با توجه به چند راهکار اساسی، در جهت کاهش مشکلات موجود در زمینه کاربرد زبان محلی در برنامه‌ها گام بردارد:

۱. اقدام در جهت کاهش نگرش منفی نسبت به زبان مازندرانی از طریق اطلاع‌رسانی عمومی درباره ارزش زبان محلی و اهمیت برخورداری از مزیت دوزبانگی؛
 ۲. پرهیز از کاربرد تمسخرآمیز این زبان در برنامه‌سازی (به‌ویژه برنامه‌های طنز) و توجه به توانمندسازی هرچه بیشتر برنامه‌سازان با هدف ارتقای کیفیت برنامه‌ها؛
 ۳. استفاده از یک گونه زبانی «مشترک» برای زبان مازندرانی؛
 ۴. استفاده از یک صورت نوشتاری مشترک برای نگارش متون برنامه‌ها به زبان محلی و اتخاذ تدابیری برای پایداری به آن توسط نویسندگان و سایر عوامل برنامه‌ساز.
- البته به اعتقاد کارشناسان، نه تنها رسانه استانی بلکه بسیاری از بخش‌های دیگر جامعه و سازمان‌های مرتبط با فرهنگ مازندرانی نیز در مورد استفاده از زبان محلی با مشکلاتی روبرو هستند. تلاش برای برطرف کردن این مشکلات مستلزم اهتمام مسئولان استان و همکاری مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و نهادها است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توجه به مقوله مهم و تأثیرگذار «برنامه‌ریزی زبانی» می‌تواند اصلی‌ترین راه‌حل این مشکلات باشد. نخستین مرحله از این مسیر، تأسیس نهادی با هدف شناخت ابعاد مختلف فرهنگ مازندرانی است که زبان محلی نیز بخشی از آن به‌شمار می‌رود. نهادی که متولی تمام امور مربوط به فرهنگ و زبان محلی و حلقه رابط نهادها و سازمان‌های مختلفی باشد که به فعالیت‌های فرهنگی، پژوهشی و آموزشی در این زمینه می‌پردازند. این متولی که کارشناسان از آن با نام‌هایی چون «پژوهشکده یا بنیاد مازندران‌شناسی» و «فرهنگستان زبان و ادب مازندرانی» یاد کرده‌اند، می‌تواند به کانون فعالیت پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون مرتبط با فرهنگ مازندرانی و مرجع اصلی تعیین سیاست‌های کلی و جزئی فرهنگی در این زمینه تبدیل شود. پشتیبانی مادی و معنوی از فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی نظیر برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های مرتبط با فرهنگ و زبان مازندرانی و دعوت از اساتید سرشناس استانی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای شرکت در سمینارهایی با هدف تقویت ارتباط دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی فعال در عرصه فرهنگ و ادب استان نیز می‌تواند از دیگر فعالیت‌های این نهاد به‌شمار آید. بدیهی است برنامه‌ریزی زبانی از جمله اصلی‌ترین وظایف متخصصان زبان‌شناسی خواهد بود که با توجه به سوابق تحصیلی و تجربی خود در بخش مطالعات زبان‌شناختی این نهاد، به فعالیت می‌پردازند.
- بنابر آنچه ذکر شد تصمیم‌گیری در خصوص مسائل فرهنگی استان از جمله زبان مازندرانی مستلزم احساس مسئولیت مشترک و کار گروهی مجموعه‌ای از نهادهاست که استانداری،

دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی و پژوهشی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان و همچنین صداوسیما مازندران از جمله آنها خواهند بود. نکته مهمتر اینکه برخی از کارشناسان، نقش حوزه‌های علمیه و ائمه جمعه را نیز به‌عنوان نهادهای تأثیرگذار بر فرهنگ و باورهای عمومی در این زمینه، بسیار پررنگ توصیف کردند.

در نهایت باید مسائل مهم دیگری همچون بودجه، نیروی انسانی و زمان لازم برای هرگونه اقدام مقتضی را در نظر داشت زیرا چنان‌که پیشتر اشاره شد اجرای برنامه‌های فرهنگی اساساً زمان‌بر و تدریجی است و نباید انتظار داشت کار گروهی سازمان‌های مختلف یا فعالیت‌های نهاد متولی خاص مسائل فرهنگی استان، در کوتاه‌مدت و بدون حمایت‌های مادی و معنوی به‌ثمر بنشیند.

منابع و مأخذ

- افخمی، علی و نگار داوری اردکانی (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی زبان و نگرش‌های زبانی». **فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، شماره ۵۸۲: ۲۳-۱.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶). **مازندرانی: جایگاه، کاربرد و نگرش‌های گویشوران در استان مازندران**. پایان‌نامه دکترای تخصصی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۰). **مرگ زبان: مبحثی در جامعه‌شناسی زبان**، آمل: شمال پایدار.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۸). **روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**، تهران: نشر دوران.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۵). «رسانه ملی متولی برنامه‌ریزی زبان»، **فصلنامه پژوهش و سنجش**، شماره ۴۷: ۴۳-۲۱.
- دلاور، علی (۱۳۸۸). **روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**، تهران: نشر ویرایش.
- ذاکری، محمد صالح (۱۳۹۱). **آینده زبان مازندرانی: راهکارها**، تهران: رسانش نوین.
- ذاکری، محمد صالح (۱۳۹۱). **آینده زبان مازندرانی: نشانه‌های خطر**، تهران: رسانش نوین.
- دیوید، ف. (۱۳۹۲). **مدیریت استراتژیک**، مترجم م. اعرابی و م. تقی‌زاده مطلق، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- رحیم‌زاده، مجید (۱۳۹۲). **بررسی علل محبوبیت برنامه «بیزیم‌کند» در بین مردم شهر تبریز**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- زردار، زرین و محمد فتحی‌نیا (۱۳۹۲). «بازنمایی اقوام ایرانی در مجموعه‌های پربیننده تلویزیونی»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۲۴: ۶۲-۴۱.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). **زبان فارسی معیار**، تهران: هرمس.
- ساک، امیر (۱۳۸۷). **نقش شبکه استانی افلاک در تقویت فرهنگ بومی استان لرستان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷). «دراک گروه‌های قومی از تصویر رسانه‌ای خود»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۴: ۱۱۹-۷۸.
- عامریان، فاطمه (۱۳۸۸). **بررسی تأثیر سن و جنسیت بر کاربرد مازندرانی در میان مهاجران مازندرانی دوزبانه ساکن تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عامریان، فاطمه (۱۳۹۴). **کاربرد زبان مازندرانی در شبکه مازندران: دیدگاه‌ها و راهکارهای برنامه‌سازان**، ساری: واحد پژوهش صداوسیما مرکز مازندران.
- عموزاده، محمد (۱۳۸۱). «همگرایی و دوزبان‌گونه‌گی در گویش مازندرانی»، **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران**، شماره ۶ و ۷: ۱۶۰-۱۳۹.
- غفاری، فریبا (۱۳۹۲). «بررسی نقش شبکه تلویزیونی استانی کردستان در بازتاب هویت بومی کردها»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۱۰: ۵۹-۳۱.

فاضلی، فیروز؛ فرشته آلیانی و فهیمه آلیانی (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی برنامه‌های شبکه استانی باران از دیدگاه مخاطبان (یک مطالعه پدیدارشناسی)*. نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های کرانه جنوبی دریای خزر. رشت: دانشگاه گیلان.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
نصری اشرفی، جهانگیر و حسین صمدی (۱۳۷۷). *واژه‌نامه بزرگ تبری (مازندرانی)*. جلد اول. تهران: خانه سبز.

واژه‌نامه اصطلاحات کاربردی در برنامه‌سازی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۶). تهران: انتشارات سروش.

هنینک، مونیکه؛ هاتر، اینگه و بیلی، اجی (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق کیفی*، ترجمه علیرضا صادقی و مهدی ابراهیمی، تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

Ager, D. (2001). *Motivation in Language Planning and Language Policy*. Multilingual Matters Ltd. Clevedon.

Cooper, R. L. (1989). *Language Planning and Social Change*. Cambridge: Cambridge University Press

Glaser, B and Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. New York: Aldine de Gruyter.

Mahjub, E. (2009). *Dominance of English: a Critical Discourse Analysis of Language Policy and Planning*. M.A. Thesis. Ilam: Ilam University.

Moriarty, M. (2009). Normalising language through television: the case of the Irish language television channel, TG4. *Journal of Multicultural Discourses*. Vol. 4. 149-137.

Micova, S. B. (2013). Rights vs. reality: minority language broadcasting in South East Europe. *Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe*, 12 (4). 79-54.

Nguyen, T. T. (2008). *The Role of Radio and TV in the Life of Ethnic Minorities in Vietnam*. M. thesis. University of Tromoso.

Perry, J. (1985). Language Reform in Turkey and Iran. *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 17. 311-295.

Rubin, J and Jernudd, B. H. (1971). *Can Language be Planned?* The University Press of Hawaii. U.S.A.